

# بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن

دکتر فیض اله نوروزی\*

سارا فولادی سپهر\*\*

## چکیده

پژوهش حاضر از نوع تبیینی است و به بررسی احساس امنیت اجتماعی در بین زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن می‌پردازد. در این تحقیق، با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی ساده با ۳۸۴ نفر از زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران مصاحبه شده است و نتایج آماری آزمون‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و احساس نظم اجتماعی تأثیر مثبت و مستقیم؛ و متغیر پایبندی مذهبی تأثیر منفی و معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، احساس نظم اجتماعی و پایبندی مذهبی در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان سهم عمده‌ای داشتند و مقدار تبیین به‌دست آمده نیز ۳۶ درصد می‌باشد.

## واژگان کلیدی

احساس امنیت اجتماعی، احساس امنیت محل سکونت، پایبندی مذهبی، احساس کنترل اجتماعی، احساس نظم اجتماعی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی.

Email: Faizollah\_nouroozi@yahoo.com

Email: sepeher.sfs25@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۸۸/۰۵/۱۷

\* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

\*\* کارشناس ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی

تاریخ ارسال: ۸۸/۰۳/۳۱

فصلنامه راهبرد / سال هجدهم / شماره ۵۲ / زمستان ۱۳۸۸ / صص ۱۵۹-۱۲۹

## ۱- مقدمه

امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به شمار می‌رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است، به طوری که آبراهام مازلو نیز در سلسله مراتب نیازها، احساس امنیت را بلافاصله پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد (کاهنه، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳).

امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و کشورها اولویت اول خود را به برقراری امنیت در جامعه اختصاص می‌دهند، اما اینکه بخواهیم در جامعه‌ای صد در صد امنیت وجود داشته باشد، امکان‌پذیر نیست، چرا که جامعه از افرادی با آداب و رسوم و فرهنگ‌های مختلف تشکیل شده و همواره درصدی از جرم و جنایت در هر جامعه‌ای وجود دارد و این امر تا حدی طبیعی است و به همان نسبت نیز احساس ناامنی وجود دارد. اما گاهی اتفاق می‌افتد که این احساس بیش از حد در بین مردم به وجود می‌آید و این امر در جامعه معضل تلقی می‌شود و باید با دقت بیشتری به آن پرداخته شود.

امنیت پدیده‌ای چند بعدی است و مطالعه میزان آن در یک جامعه از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر است. در این پژوهش نیز که احساس امنیت اجتماعی زنان مورد بررسی قرار گرفته، به این مسئله از جهات مختلف اشاره شده است. به عنوان مثال، امروزه با گسترش جوامع، افزایش تورم و هزینه‌های بالای زندگی، گرانی مسکن و عواملی نظیر آن از یک‌سو؛ و بی‌سوادی، بی‌سپرستی و بی‌اعتباری زنان فاقد سرپرست در جامعه از سوی دیگر در کلان‌شهر بزرگی چون تهران، مشارکت زنان پا به پای مردان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و ... امری ضروری است. عده‌ای برای داشتن زندگی بهتر و راحت‌تر و عده‌ای برای تأمین نیازهای اولیه خود مجبور به کار کردن در بیرون از منزل هستند، اما مسئله اشتغال زنان خود تبعات فراوانی را به همراه دارد که مهم‌ترین آنها ناامنی محیط‌های شغلی و احساس عدم امنیت زنان در محیط کار است. امروزه درصد بالایی از زنان و دختران جویای کار، پس از استخدام، در محیط کار خود، با فقدان امنیت و حیثیت مواجه‌اند. این مشاغل، حرفه‌هایی چون پرستاری از کودک و سالمند، خدمت در منزل، کار در

گرفته‌اند، ترجیح می‌دهند که آن را بیان نکنند؛ چرا که از سویی می‌خواهند این حادثه ناگوار را فراموش کنند و از سوی دیگر به دلیل آنکه فرآیند معاینه پزشکی، بازجویی پلیس و رسیدگی در دادگاه ممکن است چند ماه به طول بینجامد، از بیان آن خودداری می‌کنند و تنها نسبت اندکی از تجاوزات جنسی عملاً به اطلاع پلیس می‌رسد و در آمارها گزارش می‌شود و رقم واقعی ممکن است تا ۵ برابر آمار رسمی باشد. در یک بررسی درباره ۱۲۳۶ زن در امریکا مشخص شد از هر شش زن، یک تن مورد تجاوز قرار گرفته و از هر ۵ تن بقیه نیز یک تن توانسته با مبارزه مانع اقدام به تجاوز شود؛ نیمی از تجاوزات جنسی یا در خانه خود زن و یا در خانه تجاوزکننده رخ داده بود (گیدنز، ۱۳۸۱، ص ۲۲۰؛ سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۰، ص ۲۵). از یک جهت می‌توان گفت همه زنان قربانیان تجاوز جنسی هستند. حتی زنانی که مورد تجاوز قرار نگرفته‌اند، اغلب دچار اضطراباتی مشابه زنانی هستند که مورد تجاوز واقع شده‌اند و ممکن است از اینکه شب تنها بیرون بروند، حتی در خیابان‌های شلوغ بیمناک باشند.

به عقیده بسیاری از کارشناسان، وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه مهم

شرکت‌های خصوصی و نیمه خصوصی، کار در واحدهای تولیدی، مشاغل فروشندگی، کار در مطب پزشکان و وکلا و دفاتر ساختمانی و حتی ادارات را دربر می‌گیرند.

مسئله‌ای که بیش از هر چیز باعث نگرانی زنان و احساس عدم امنیت آنها در محیط کار می‌شود، آزار جنسی است. آزار جنسی در محل کار می‌تواند به عنوان استفاده از اقتدار شغلی یا قدرت به منظور تحمیل خواسته‌های جنسی تعریف شود و ممکن است به شکل‌های گوناگونی بروز نماید. به عنوان مثال: «به یک کارمند زن گفته می‌شود که یا به یک برخورد جنسی رضایت دهد یا اخراج شود» و گاه ممکن است این آزار جنسی با تماس‌های فیزیکی معمولی که از نظر مردان بی‌زیان، اما از دید زنان اهانت‌آمیز است یا با پیشنهادات زیرکانه، حرکات و اشارات همراه باشد. بر اساس گزارش‌های شخصی برآورد شده است که در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دوره زندگی شغلی خود به مدت طولانی دچار آزار جنسی بوده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹).

تجاوز جنسی نیز از جمله مواردی است که اغلب زنان همواره از اینکه در معرض آن قرار بگیرند، احساس خطر می‌کنند و در بسیاری از موارد نیز زنانی که مورد تجاوز قرار

است که احساس امنیت در آن جامعه و چه بسا احساس امنیت در جامعه مهم‌تر از وجود امنیت است؛ چرا که واکنش‌های فرد در جامعه بستگی به میزان دریافت و ادراک او از امنیت دارد. بر این اساس تا زمانی که از نظر فرد، امنیت در جامعه وجود نداشته باشد، پس احساس امنیت نیز نخواهد کرد. تا زمانی که زنان در مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مکان‌های عمومی، خیابان و ... احساس آرامش نداشته باشند، مسلماً احساس امنیت نیز نخواهند کرد. پس نگرانی از تجاوز جنسی، آزار و اذیت در محیط کار، احساس خطر در رفت و آمد در سطح شهر و ... همگی می‌توانند در احساس امنیت اجتماعی زنان موثر واقع شوند. به طوری که نتایج طرح نیازسنجی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان کشور که توسط مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری انجام شده، نشان می‌دهد یکی از عمده‌ترین مسائل و مشکلات زنان کمبود امنیت است که این مسئله در ردیف اولین دغدغه‌های زنان قرار گرفته است و چه بسا این امر سبب محدودتر شدن فعالیت زنان در محیط‌های عمومی شده و حضور زنان در شهر را به عنوان یک شهروند فعال با مشکل مواجه می‌سازد.

## ۲- ادبیات و چارچوب نظری

### ۲-۱- تئوری‌های نظم اجتماعی<sup>۱</sup>؛

نظم اجتماعی از مفاهیم بنیانی جامعه‌شناسی است و اصولاً جامعه بدون نظم غیر قابل تصور است. در زمینه ثبات و نظم اجتماعی و در مقابل آن تغییر اجتماعی و بی‌نظمی، دیدگاه‌های محققان و جامعه‌شناسان متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال، اساس مطالعات اگوست کنت<sup>۲</sup> - اولین جامعه‌شناس نام‌آور عصر جدید - درباره نظم اجتماعی و علل فروپاشی نظم کهن و استقرار نظم نو می‌باشد. وی مطالعات بسیاری در زمینه ایستایی و پویایی انجام داده است، به طوری که پویایی و ایستایی دو مقوله اصلی جامعه‌شناسی کنت محسوب می‌شود. کنت جامعه‌شناسی را به دو بخش عمده تقسیم می‌کند: استاتیک (ایستا) و دینامیک (پویا). موضوع مورد مطالعه جامعه‌شناسی استاتیک، نظم ساختاری حاکم بر جامعه است. در بحث ایستایی که کنت آن را اجماع اجتماعی می‌نامد، جامعه همچون یک ارگانیزم زنده در نظر گرفته می‌شود که در آن بررسی کارکرد یک اندام بدون قرار گرفتن آن در کل زنده‌ای که خود جزو آن است، امکان‌پذیر

1. Social order  
2. Conte. A.

اخلاقی است نه سیاسی یا اقتصادی. بر این اساس دور‌کیم معتقد است در جوامع سازمان‌یافته‌ای که مبتنی بر اصول و قواعد اخلاقی باشند، نظم اجتماعی نیز حاکم خواهد بود، به همین جهت در جوامع ابتدایی که دارای همبستگی مکانیکی هستند و اخلاقیات مشترک وجود دارد، نظم اجتماعی نیز به شدت حاکم است و با هرگونه تخلفی به شدت برخورد می‌شود. اما با پیچیده‌تر شدن جوامع، وجدان جمعی کاهش یافته، نظام مشترک اخلاقی از بین می‌رود و در نتیجه هرج و مرج و نابسامانی حاکم می‌شود. دور‌کیم بسیاری از مشکلات زمان خود را ناشی از کاهش قدرت این نظام مشترک اخلاقی می‌داند (کوزر، ۱۳۸۳، ص ۱۹۰؛ ورسلی، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

دور‌کیم معتقد است در جامعه‌ای که فرهنگ مشترک و قوی در مورد اعتقاد عمومی وجود دارد، همبستگی اجتماعی استحکام و نظم اجتماعی، عینیت بیشتری خواهد یافت و این مهم‌ترین عاملی می‌شود تا نظام اخلاقی و نظام باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را به مردم یک جامعه هدیه کند که در پرتوی آن نظم اجتماعی برقرار بماند و جرم، نابهنجاری و خودکشی کاهش یابد و هرج و مرج رخت بریندد و به

نیست؛ برعکس، موضوع جامعه‌شناسی دینامیک، پیشرفت و توسعه است. در واقع پویایی اجتماعی نشیب و فرازهایی را که این نظم بنیادی پیش از رسیدن به مرحله نهایی پوزیتیویسم در مسیر خود پیموده است، برای ما ترسیم می‌کند. پویایی تابع ایستایی است و بر اساس نظم هر جامعه انسانی است که چگونگی تاریخ فهمیده می‌شود (آرون، ۱۳۸۲، صص ۱۱۶-۱۱۵). کنت، توافق ذهن‌ها بر اصول اخلاقی را علت نظم اجتماعی می‌داند و ناهماهنگی عمیق فکری و به عبارت دیگر هرج و مرج فکری را اساس بی‌نظمی اجتماعی به حساب می‌آورد.

امیل دور‌کیم<sup>۳</sup> نیز مانند کنت از نابسامانی اجتماعی بیزار و هراسان بود و معتقد بود که می‌توان نابسامانی‌های اجتماعی را با اصلاحات اجتماعی کاهش داد. در واقع دور‌کیم به دنبال آن بود که علت این نابسامانی‌های اجتماعی را شناسایی کند و برای خروج از آنها راه حلی بیابد. همچنین دور‌کیم همبستگی اجتماعی<sup>۴</sup> را عامل حفظ و بقای جامعه می‌داند که نظم اجتماعی را به همراه دارد که خود معلول اشتراک اخلاقی و اخلاقیات مشترک است. پس از نظر دور‌کیم مبنای نظم جامعه (امنیت اجتماعی) عامل

3. Durkheim.E

4. Social Solidarity

تبع آن امنیت و ثبات اجتماعی برقرار گردد (صدیقی اورعی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹).

دورکیم - در بین جامعه شناسان کلاسیک - پدر جامعه شناسی نظم به شمار می‌رود، اما پارسونز<sup>۵</sup> از پیشگامان معاصر جامعه شناسی نظم محسوب می‌شود. اگرچه مسئله اساسی در نظریه تحلیلی کنش پارسونز همان نظم اجتماعی است، اما وی معتقد بود که منافع فردی و کنش عقلانی و سودجویانه به تنهایی برای برقراری نظم کافی نیست، در نتیجه او مفهوم هنجار را وارد کنش اجتماعی خویش کرد و کنش اجتماعی خویش را با توجه به هنجارهای اجتماعی تعریف می‌کند. پارسونز پدیده بنیادی در نظریه کنش را واحد کنش می‌نامد که بر حسب چهار عنصر سازنده مشخص می‌شود: وجود کنشگر؛ وجود هدف یا وضعیتی که کنشگر نسبت به آن جهت‌گیری می‌کند؛ موقعیتی که کنش در آن انجام می‌شود (از جمله شامل شرایط، منابع، وسایل)؛ وجود هنجارها و ارزش‌ها که در جهت تعیین‌گزینه‌ش وسایل دستیابی به هدف‌ها نقش بازی می‌کنند (ریترز، ۱۳۸۳، ص ۵۳۰).

به این ترتیب در نظریه سیستمی پارسونز، هنجارهای اجتماعی به عنوان یک سیستم در نظر گرفته می‌شوند و کارکرد نظام اجتماعی نیز ایجاد و حفظ یکپارچگی کل نظام است. همچنین در این فرآیند، فراگردهای ملکه ذهن ساختن و اجتماعی کردن نیز اهمیت اساسی دارند و به این ترتیب پارسونز بیش از آنکه به شیوه‌های انتقال هنجارها و ارزش‌های یک نظام توجه کند، به کنشگران درون نظام علاقه‌مند است که در فرآیند اجتماعی شدن موفق، در واقع این هنجارها و ارزش‌ها ملکه ذهن افراد می‌شوند و به عنوان بخشی از وجود کنشگران یا وجدان آنها در می‌آیند و به این ترتیب کنشگران ضمن دنبال کردن منافعشان در واقع به مصالح کل نظام خدمت می‌کنند. همچنین پارسونز در این فراگرد چهار خرده‌نظام را برای هر نظام اجتماعی در هر سطحی مطرح می‌کند که برای همه نظام‌ها ضروری است و هر یک کارکردی را بر عهده دارند و کارکرد آنها در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام است و در نهایت همه به دنبال حفظ مجموعه کل هستند و می‌خواهند نظم و ثبات را در جامعه به وجود آورند. این چهار خرده‌نظام عبارت‌اند از: تطبیق و سازگاری با محیط (A)

از طریق ارگان‌های رفتاری؛ دستیابی به هدف (G) از طریق نظام شخصیتی، حفظ انسجام و یکپارچگی (I) از طریق نظام اجتماعی؛ و حفظ الگو و انگاره‌های فرهنگی (L) از طریق نظام فرهنگی. به این ترتیب انتقال هنجارها و ارزش‌ها از طریق نظام فرهنگی صورت می‌گیرد (ریترز، ۱۳۸۳، ص ۱۳۷).

مفهوم آنومی (نابسامانی اجتماعی) در مقابل مفهوم نظم اجتماعی قرار دارد که مرتن<sup>۶</sup> آن را در سطح خرد مطرح می‌کند. مرتن به برقراری ارتباط بین عنصر فرهنگی و عنصر اجتماعی اهمیت زیادی می‌دهد. به عقیده وی، نقش و کارکرد اساسی عنصر فرهنگی تعیین و معرفی اهداف و ارزش‌ها در زندگی اجتماعی است و عنصر اجتماعی نیز تعیین‌کننده وسایل نهادی شده نیل به اهداف است. مرتن معتقد است اگر در جامعه‌ای کارکرد این دو عنصر اساسی با هم هماهنگ باشد (یعنی بین اهداف و وسایل نیل به هدف هماهنگی باشد)، در آن جامعه نظم وجود دارد، اما اگر این هماهنگی نباشد، یعنی بین فرهنگ و اجتماع از لحاظ کارکردی ناهماهنگی پیش بیاید، آنگاه شاهد رواج انحراف خواهیم بود. مرتن معتقد است که مسئله اجتماعی، ناشی از اختلاف اساسی

میان معیارهای اجتماعی و واقعیت اجتماعی است. به عبارت دیگر اختلاف کلی میان آنچه که هست و آنچه که مردم طبق هنجارها و ارزش‌هایشان می‌پندارند که باید باشد. ناسازگاری میان اهداف و وسایل از طریق ایجاد بی‌هنجاری (آنومی) منجر به بروز اختلال در نظم اجتماعی می‌شود و عدم امنیت و بی‌هنجاری فرهنگی بر جامعه سایه می‌افکند. بنابراین مرتن فقدان امنیت در یک جامعه را مساوی با بی‌نظمی اجتماعی و بروز رفتارهای انحرافی قلمداد می‌کند و این حالت را ناشی از شکاف بین اهداف و هنجارهای فرهنگی و ظرفیت‌های ساختار اجتماعی برای نیل به موفقیت می‌داند. در مجموع وجود بی‌قانونی، بی‌اهمیت شدن مقررات، عدم یکپارچگی، رهایی کامل فرد و بالاخره انحرافات و کجروی‌های اجتماعی همگی نشانه‌های چنین حالتی در جامعه هستند (بودون، ۱۳۸۵، ص ۶۶۱).

## ۲-۲- نظریه‌های کنترل اجتماعی<sup>۷</sup>:

از مهم‌ترین صاحب‌نظران مکتب کنترل اجتماعی، تراویس هیرشی<sup>۸</sup> می‌باشد. وی معتقد است کجروی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است و اجزای

7. Social Control  
8. Hirschi.T

6. Morton.R.K

تعلق و وابستگی به جامعه عبارت‌اند از: ارتباط با سایر افراد، پذیرش و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی که ارزش و نتایجی برای آینده دارد، اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای فرهنگی و امثال آن. وی می‌گوید: کیفیت هر کدام از موارد سه‌گانه فوق در هر مورد خاص می‌تواند موجد هم‌نوایی و نیز علت ناهم‌نوایی و هنجارشکنی باشد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۸۹). به اعتقاد هیرشی بزهکاری زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود (مشکاتی و مشکاتی، ۱۳۸۱، ص ۱۲). همچنین هیرشی معتقد است انسان‌ها به وسیله چهار عنصر زیر به هم پیوند می‌خورند: علاقه یا وابستگی، پایبندی یا تعهد، درگیری و باورهای فرد به قواعد اخلاقی و اجتماعی (ستوده، ۱۳۸۲، ص ۱۳۸).

نظریه پردازان کنترل اجتماعی معتقدند برای اینکه بتوان نظم اجتماعی را برقرار نگاه داشت، باید رفتارهای اجتماعی الگو شده‌ای را از طریق فراگرد اجتماعی شدن و به کمک نظارت اجتماعی به اعضای جامعه تلقین یا تحمیل کرد. بر طبق این نظریه، کنترل و نظارت اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل مهم اجتماعی شدن و هم‌نوایی با

جامعه باشد. هرگاه فردی نتواند رفتار پذیرفتنی و شایسته یک موقعیت را از خود نشان دهد، ما او را شخص منحرف می‌شناسیم. اگر این گونه انحرافات خارج از نظارت معیارهای اجتماعی ادامه یابد، جامعه با تهدید از هم گسیختگی روبه‌رو می‌شود. با کاربرد ابزارهای کنترل و نظارت اجتماعی، جامعه می‌تواند بزهکاران را زندانی کند. گذشته از این نظارت رسمی، نظارت‌های غیر رسمی دیگری چون طرد گروه نیز می‌تواند به عنوان روش‌های موثر نظارت اجتماعی به کار آیند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۹۰).

علاوه بر صاحب‌نظران کنترل اجتماعی، برخی دیگر از جامعه‌شناسان نیز به اهمیت نقش و کارکرد دولت در برقراری نظم و امنیت در جامعه اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال، باری بوزان<sup>۹</sup> در کتاب خود تحت عنوان «مردم، دولت‌ها و هراس» مطرح می‌کند: «از آنجایی که جامعه از افراد مختلفی که دارای منافع و مناسبات متفاوتی می‌باشند، تشکیل شده است، پس این افراد در جامعه خود به عنوان منبع ناامنی تلقی می‌شوند، به طوری که هر کس به دنبال تأمین منافع خود است، اما به تدریج افراد در اثر آگاهی و پی بردن به تهدیدات و منابع ناامنی خود و برای حفظ

9. Buzan.B



هستند. خشونت اصل و اساس این حالت است و نتیجه آن وحشت و هراس دائم همه علیه همه است. از نظر هابز، در این حالت، روابط انسانی اساساً به گونه‌ای مبتنی بر رقابت است. زیرا در صورتی هر فردی می‌تواند آنچه را نیاز دارد، داشته باشد که دیگری دست از آن بردارد. هر فرد ناگزیر است که به ممنوعان خود به دیده موانعی بنگرد که در میان او و نیازمندی‌هایش حایل شده‌اند. زور و فریب موثرترین ابزارهای هستند که او در مواجهه با ممنوعانش به کار خواهد برد، زیرا با به کار بستن آنهاست که او می‌تواند رقیبانش را مغلوب کند و آنها را به خدمت اهداف خویش درآورد. اما از طرفی، ارضای امیال فردی نمی‌تواند با وجود این هرج و مرج در جامعه امکان‌پذیر باشد و راه حل نهایی آن است که انسان‌ها با یکدیگر هم‌آوازه شده و یک قرارداد اجتماعی به وجود آورند. یعنی تنها فرایندی که می‌تواند تهدید این خشونت را از میان بردارد، انتقال داوطلبانه آن به یک نهاد است. انسان‌ها باید حق اعمال خشونت را از خود سلب کرده و آن را برای همیشه به یک دولت مرکزیت‌یافته منتقل نمایند تا این دولت بر مردم حکومت کند و انسان‌ها را کنترل کند تا نظم اجتماعی برقرار شود. پس قرارداد

خویش و دارایی‌شان، آماده واگذاری آزادی خود به مرجع مستقلی به نام دولت می‌گردند. به تدریج این وضعیت به صورت سازوکاری در می‌آید که از طریق آن مردم در صدد دستیابی به سطوح کافی از امنیت در مقابل تهدیدات جامعه می‌باشند. بر اساس این دیدگاه هر چه یک جامعه دارای دولت و ساختار سیاسی قوی و قدرتمندتری باشد، امنیت افراد بهتر و با هزینه کمتری تأمین می‌گردد، اما در کشورهایی که ساختار حکومت به خوبی نهادینه نشده و ضعیف باشد، افراد برای تأمین امنیت خود به سازوکارها و ابزارهای اجتماعی متوسل می‌شوند. خانواده، ایل، سازمان‌های مذهبی و محلی در این‌گونه جوامع نقش مرکزی پاسخگویی به نیازهای امنیتی فردی را بازی می‌کنند» (بوزان، ۱۳۷۸، صص ۸۷-۸۶).

توماس هابز<sup>۱۰</sup> نیز در فلسفه سیاسی خود، تعریفی از انسان می‌کند که آن را مبنای قرارداد و نظم اجتماعی قرار می‌دهد. به نظر او انسان موجودی خودخواه است و صرفاً به ارضای امیال فردی علاقه‌مند می‌باشد. انسان‌ها ذاتاً شرورند و انسان‌گرگ انسان‌هاست. در شرایط یا حالت طبیعی، انسان‌ها در جنگی دائم و مرگبار علیه یکدیگر

10. Hobbes.T

اجتماعی اساس نظم اجتماعی در جامعه است (ورسلی، ۱۳۷۸، ص ۸؛ شرفی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۶).

به این ترتیب، افراد حاضرند بخشی از آزادی خود را برای دستیابی به سطوح بهتری از امنیت فدا کنند و در این روند است که حکومت و دولت شکل می‌گیرد. توماس هابز در باب علل و ایجاد دولت می‌گوید: «هدف، غایت یا خواست نهایی آدمیان (که طبعاً دوستدار آزادی و سلطه بر دیگران‌اند) از ایجاد محدودیت بر خودشان (که همان زندگی کردن در درون دولت است) دوراندیشی درباره حفظ و حراست خویشتن و به تبع آن تأمین زندگی رضایت بخش‌تری است؛ یعنی اینکه هدف آنها رهانیدن خویشتن از همان وضع جنگی محنت‌باری است که پیامد ضروری امیال طبیعی آدمیان در زمانی است که قدرتی مشخص و مشهود وجود نداشته باشد تا ایشان را در حال ترس و بیم نگه دارد و به موجب ترس از مجازات، نسبت به اجرای پیمان‌های خویش و رعایت قوانین طبیعی ملزم و متعهد کند. زیرا قوانین طبیعی (همچون عدالت، انصاف، اعتدال، ترحم) به خودی خود و بدون وجود ترس از قدرتی که موجب رعایت آنها گردد، مغایر با امیال طبیعی ماست که ما را به غرض‌ورزی،

غرور و کینه‌جویی و غیره رهنمون می‌گردند و عهد و پیمان‌ها بدون پشتوانه شمشیر تنها حرف‌اند و به هیچ روی توان تأمین امنیت آدمی را ندارند» (هابز، ۱۳۸۷، ص ۱۸۹). پس هابز تنها راه را تأسیس یک قدرت عمومی می‌داند و معتقد است: «مردم، دولت‌ها را ایجاد کردند تا از آنها در مقابل تهاجم خارجی و نیز صدمه به یکدیگر دفاع کنند و در نتیجه چنان امنیتی به وجود بیاورند که بتوانند با کوشش خود و بهره‌گیری از امکانات زمین، رشد پیدا کنند و رضایتمندانه زندگی کنند.» بنابراین به عقیده هابز، تنها دولت و قدرت است که می‌تواند محور اصلی تأمین نظم اجتماعی شود و در نتیجه امنیت اجتماعی انسان‌ها فقط از طریق دولت و قدرت واحد تأمین می‌شود (شرفی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۶).

## ۲-۳- نظریه‌های امنیت محل سکونت

اقدام به هر عملی که بر خلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزش فرهنگی هر جامعه باشد، در آن جامعه بزهکاری یا جرم تلقی می‌گردد و کسانی که مرتکب چنین اعمال خلافی می‌گردند، مجرم یا بزهکار نامیده می‌شوند و در برخی موارد می‌توان آنها را افراد قانون‌شکن نامید، یعنی

که مانند بیماران جسمی باید درمان شوند (فرجاد، ۱۳۷۵، ص ۱۱۰).

والتر رکلس،<sup>۱۱</sup> از صاحب‌نظران مکتب کنترل اجتماعی معتقد است: عضویت افراد در گروه‌های مختلف اجتماعی و روابط متقابل آنها می‌تواند تعیین‌کننده نوع رفتار افراد در شرایط خاص زندگی باشد و می‌تواند فرد را به سوی انحراف و کجروی بکشاند یا از انحراف بازدارد. همچنین عدم توانایی و کارکرد سیستم کنترل اجتماعی نیز می‌تواند سبب بروز رفتار انحرافی در فرد گردد؛ به عبارت دیگر زمانی که کنترل اجتماعی در هم می‌شکند، مردم برای انجام رفتارهای انحرافی آزادی بیشتری به دست می‌آورند؛ والتر رکلس و همکارانش معتقدند در برخی قسمت‌های جامعه بسیاری از مردم منحرف هستند، به این معنی که کنترل خارجی برای مقابله با انگیزه رفتار انحرافی به اندازه کافی نیرومند نیست. همچنین آنها علل زیرساز بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی را احساس امنیت اقلشار جامعه می‌دانند و معتقدند که رفتارهای معطوف به احساس ایمنی بیشتر زاییده امنیت محیط‌های زندگی است (شیرازیان، ۱۳۸۳، صص ۷۴-۷۱).

کسانی که از قانون تبعیت و پیروی نمی‌کنند، چون و چگونگی وضع قوانین را نمی‌شناسند و یا به اصلاح وضع قوانین معتقد نیستند. افرادی که در آغاز مرتکب جرایمی می‌شوند، طبیعی است که نتوانسته‌اند خود را با موازین اجتماعی آن جامعه تطبیق دهند. این عدم هماهنگی ممکن است از نابسامانی اوضاع اجتماعی، اقتصادی و تربیتی آنها ناشی شود. پس آنها خود گناهی ندارند، بلکه گناهکار واقعی جامعه و شرایط نامساعد آن است که نتوانسته امکانات اقتصادی، اجتماعی و آموزشی را برای همه مردم آن جامعه به تساوی و تا حدودی یکسان فراهم آورد. به همین جهت بسیاری از جامعه‌شناسان علل ارتکاب جرم را در جامعه، وضع نابسامان اقتصادی و اجتماعی آن دانسته و معتقدند: «هیچکس بالفطره مجرم و بزهکار نیست و از این جهت فرد را مقصر نمی‌دانند و می‌گویند اوضاع اقتصادی و شرایط نامساعد اجتماعی عامل ارتکاب جرم است» (فرجاد، ۱۳۷۵، ص ۱۷۱).

نتایج تحقیقات مختلف نیز نشان می‌دهد، ریشه تمام کجروی‌ها در محیط اجتماعی است و هیچکس کجرو متولد نمی‌شود، کجروها بیماران اجتماعی هستند

بر این اساس وجود جرم در جامعه سبب ایجاد احساس ناامنی می‌شود. هر چقدر میزان جرم و جنایت در یک محیط اجتماعی افزایش یابد، به همان نسبت احساس امنیت اجتماعی کاهش می‌یابد؛ پس از یکسو محیط اجتماعی با میزان جرایم در ارتباط است و از سوی دیگر میزان جرم رابطه مستقیمی با احساس ناامنی دارد.

به این ترتیب در وضعیت عادی، همواره میزانی از آناژسی در شرایط زندگی افراد حاکم است، اما در صورتی که کنترل بیرونی (از طریق پلیس و نیروی انتظامی) افزایش یابد، احتمال جرم در فرد کاهش می‌یابد و همین امر سبب کاهش جرایم و به تبع آن افزایش امنیت اجتماعی خواهد شد. پس ارتکاب جرم به ضعف کنترل اجتماعی جامعه مربوط می‌باشد، هرچه قدرت کنترل در جامعه ضعیف‌تر گردد، پیوسته به تعداد مجرمین جوان افزوده خواهد شد. به عنوان مثال، وقتی یک دزد، ارزش کالایی را که می‌خواهد بدزدد، زیاد و احتمال موفقیتش در دزدیدن نیز به علت کاهش کنترل زیاد باشد و از طرفی احتمال انتظار گرفتار شدن و میزان مجازات عمل پایین در نظر گرفته شود، در آن صورت انگیزه درونی در او تقویت

می‌شود؛ لذا مکانیسم کنترل بیرونی باید دو کارکرد داشته باشد:

۱. میزان مجازات برای یک کار خلاف برای شخص خاطی پرهزینه باشد.
۲. احتمال کشف خلاف در زمان اجرا و یا بعد از آن (حضور نیروهای کنترل کننده) بایستی بسیار زیاد باشد.

وجود این دو عامل سبب می‌شود تا میزان جرایم کاهش و به تبع آن امنیت اجتماعی در سطح جامعه افزایش یابد (رفعی‌پور، ۱۳۸۴، ص ۲۹۷).

موضوع امنیت محل سکونت آن‌قدر برای شهروندان مهم است که در برخی از جوامع مانند فرانسه به محلات و شهرک‌های دارای نرخ بالای آسیب‌های اجتماعی به عنوان محل امنیت، محله‌های حساس، مسئله‌دار، شهرک‌های ممنوعه - تقریباً مشابه اصطلاحاتی که در افکار عمومی جامعه ما به عنوان محله‌های خلاف، خطرناک و ... جاری است - اطلاق می‌شود. ناامنی محله‌های مسکونی تنها مختص برخی جوامع خاص نمی‌باشد، بلکه در اکثر کشورهای جهان مشاهده می‌شود و افزایش جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن از جمله ناامنی در عصر کنونی به یک

حیثیت<sup>۱۲</sup> را نیز به آن اضافه می‌کند. از نظر وبر، مالکیت، قدرت و حیثیت با وجود وابستگی متقابلشان سه بنیان متمایزند که بر روی آنها نظام قشربندی در هر جامعه‌ای سامان می‌یابد. تفاوت در مالکیت اموال، منشأ طبقه‌بندی اجتماعی است، تقسیم نابرابر قدرت به تشکیل احزاب سیاسی می‌انجامد و درجات حیثیت گوناگون منشأ پیدایش قشرهای اجتماعی است که از دارندگان پایگاه‌های اجتماعی مشابه تشکیل شده‌اند، اما در نهایت وی معتقد است که این سه بعد رابطه تنگاتنگی با هم دارند (تأمین، ۱۳۸۱، صص ۱۲-۸).

معیار قضاوت درباره پایگاه اجتماعی افراد در جامعه، دوری یا نزدیکی افراد مورد نظر نسبت به ارزش‌های حاکم در آن جامعه است. میزان تحصیلات، اصل و نسب و موقعیت شغلی، گاه مبنایی برای ارزیابی پایگاه اجتماعی افراد به کار می‌رود.

به عقیده لینتن<sup>۱۳</sup> نیز پایگاه اجتماعی عبارت از وضعی است که یک فرد در زمانی معین و نظامی خاص احراز می‌کند. به نظر او، پایگاه مجموع حقوق و وظایف است (در برابر نقش اجتماعی که اعمال این حقوق و وظایف را می‌رساند) و

ویژگی عمومی کلان‌شهرها در جهان تبدیل شده است.

در ایران نیز پژوهش‌های انجام شده در زمینه ناامنی محل سکونت نشان می‌دهد که ویژگی‌های یک مکان ناامن عبارت‌اند از: وجود فضای خالی پشت ارتفاعی که دید ناظران را از بین می‌برد، فرورفتگی‌ها و قطع ارتباط بصری که موجب ایجاد امنیت برای بزهکاران می‌شود. همچنین زیرگذرها، گودها و زیرپله‌ها از جمله فضاهای غیرقابل دفاع می‌باشند (پودراتچی، ۱۳۸۱، ص ۹۲).

## ۲-۴- نظریه‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی

نظرات جامعه‌شناسان مختلف درباره پایگاه اقتصادی و اجتماعی بسیار متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال، مارکس با دیدی اقتصادی به جامعه می‌نگرد و واقعیت اساسی جامعه را مالکیت می‌داند و آن را در زیربنا قرار می‌دهد و سایر نهادهای اجتماعی و فرهنگی (ایدئولوژی، خانواده، مذهب و ...) را در روبنا قرار می‌دهد و بر این اساس افراد جامعه را به دو دسته مالکین وسایل تولید و فاقدین وسایل تولید دسته‌بندی می‌کند، اما وبر معتقد است که فقط بعد اقتصادی (مالکیت) مهم نیست؛ وی دو بعد قدرت و

پایگاه اقتصادی<sup>۱۴</sup> که با میزان ثروت سنجیده می‌شود، تنها یک بعد از پایگاه اجتماعی را می‌رساند و عوامل دیگری چون نژاد، نسب، مذهب و فرهنگ که هر یک بر حسب جامعه اعتباری خاص به افراد می‌بخشند، در سنجش پایگاه اجتماعی مطرح می‌شوند. پایگاه اجتماعی وضعی است که یک شخص یا گروه در یک نظام اجتماعی در برابر دیگران می‌یابد. پایگاه اجتماعی تعیین‌کننده حقوق و وظایف انسان‌ها و گروه‌های اجتماعی است، همان‌طور که روابط افراد و گروه‌ها را با یکدیگر مشخص می‌دارد. پایگاه را پایه‌هایی چون آموزش، ثروت، درآمد، خانواده و ... تشکیل می‌دهد. امروزه جامعه جدید با تعدد وظایف و نقش‌ها، موجبات تعدد پایگاه‌ها را فراهم می‌کند و جامعه‌شناسان جدید سخن از تنوع و گاه تعارض پایگاه‌ها را به میان می‌آورند (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۷۹۱).

همچنین پایگاه اجتماعی افراد می‌تواند در بروز احساسات آنها نیز تأثیر بگذارد؛ به طوری که ریچ وی و جانسون<sup>۱۵</sup> معتقدند هرچه پایگاه انسان در یک گروه اجتماعی بالاتر باشد، میزان ابراز احساسات منفی در پی نارضایتی و عدم موافقت با رویدادهای درون گروه کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر

هرچه مقام و مسئولیت یک فرد در یک نظام اجتماعی بالاتر باشد، او با اینکه از وضعیت موجود احساس نارضایتی می‌کند، اما این احساس نارضایتی را کمتر ابراز (کمتر انتقاد) می‌نماید؛ گاه به منظور حفظ همبستگی گروهی و گاه برای حفظ موقعیت خود. در صورتی که در مورد احساسات مثبت این طور نیست، یعنی اگر فردی در یک گروه اجتماعی، در پایگاه بالایی باشد، احساس مثبت خود را از وقایعی که موجب رضایت او می‌شود ابراز (تمجید) می‌کند و در آنجا دیگر خود را سانسور نمی‌نماید (رفیع پور، ۱۳۷۵، ص ۲۰).

به این ترتیب هرچه پایگاه افراد در یک جامعه افزایش یابد، امکان دستیابی آنها به امکانات و خدمات مختلف آموزشی، بهداشتی، رفاهی و غیره نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه احساس تعلق و خشنودی نسبت به جامعه داشته و دل‌بستگی میان آنها تقویت خواهد شد. به عکس اگر احساس تعلق افراد جامعه با احساس رضایت از زندگی در جامعه توأم نشود، به تدریج همبستگی نیز نقصان می‌یابد. پس هر چه احساس فرد از زندگی رضامندانه‌تر باشد، به همان میزان نیز احساس امنیت را تجربه خواهد کرد و قادر به تولید آن نیز خواهد بود.

14. Economic status

15. Ridgeway & Johnson

## ۲-۵- نظریه‌های اعتقادات مذهبی

امیل دورکیم از جمله افرادی است که در زمینه جامعه‌شناسی دین کار کرده و تحلیل نقش دین در تکوین «وجدان جمعی» یا وجدان و آگاهی اخلاقی جمعی از مهم‌ترین خدمات دورکیم به جامعه‌شناسی دین است. دورکیم، مذهب را مظهر همبستگی اجتماعی می‌داند و معتقد است که هیچ دین دروغینی وجود ندارد. وی دین را به مثابه حقیقتی می‌داند که دارای کیفیتی مختص خود است؛ به این معنی که نمایش‌ها یا نمادهای دینی نه توهم محض‌اند و نه جانشین پدیده‌های دیگر (مثل نیروهای طبیعی) می‌شوند، بلکه آنها در اذهان افراد وجود دارند تا از محرک‌های خودمدارانه ممانعت کنند و فرد را به طریقی تحت انضباط درآورند که بتواند به طور عینی به واقعیت بیرونی بپردازد. این نمایش‌های مشترک، با توانایی‌شان در جهت دادن و مهار انگیزش شخصی، آن اموری هستند که وجود جامعه را ممکن می‌سازند (جلالی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۶۴). به عقیده دورکیم دین وسیله استحکام و دوام اجتماعی است و با ایجاد پیوند میان پیروان خود به وسیله انجام مراسم گوناگون و ایجاد ارزش‌ها و باورهای

مشترک میان آنها، وحدت اجتماعی را تأمین می‌کند (جلالی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۷۵). بخش اعظم دین متشکل از باورهای گوناگون است، باورها قدرت‌زا هستند و هیچ قدرتی بدون اتکا به گونه‌ای از باورها، امکان بقا ندارد. از نظر دورکیم، قدرت ناشی از باورها سبب همبستگی اجتماعی و حفظ پیوندهای اجتماعی می‌شود و همبستگی همان مذهب است. پس اگر باورها - چه واقعی و چه کاذب - را از جامعه حذف کنیم چیز دیگری جز زور و قدرت عریان بی‌واسطه نمی‌تواند جامعه انسانی را حفظ کند و این حفاظت هم برای مدت زیادی دوام نمی‌آورد. به طور کلی دورکیم دین و احساس دینی را تماماً نشئت گرفته از زندگی جمعی می‌داند (جلالی مقدم، ۱۳۷۹، ص ۹۸).

توکویل<sup>۱۶</sup> نیز معتقد است: در جامعه‌ای مساوات طلب که می‌خواهد خود بر امور خود حکومت کند، انضباطی اخلاقی که در وجود افراد رسوخ یافته باشد، ضرورت دارد. اعضای جامعه باید در کنه وجود خویش از انضباطی پیروی کنند که فقط ناشی از ترس آنان از مجازات نباشد. به اعتقاد وی، آن ایمانی که بهتر از هر چیز دیگر انضباط اخلاقی را در

افراد پدید خواهد آورد، ایمان مذهبی است (آرون، ۱۳۸۲، ص ۲۶۵).

همچنین زیگموند فروید<sup>۱۷</sup> و دیوید ریزمن<sup>۱۸</sup> معتقدند که انسان‌ها دارای سیستم کنترل درونی هستند. به اعتقاد آنها عواملی وجود دارند که انسان‌ها را از کارهای نامشروع باز می‌دارند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، مذهب است. اگر پایبندی‌های مذهبی اعضای یک جامعه قوی باشد، انسان‌ها کمتر به سوی کارهای نامشروع خواهند رفت و خود را به طور درونی کنترل خواهند نمود که این قوی‌ترین و موثرترین نوع کنترل است، آن هم بدون هزینه نیروی انتظامی و غیره. در مقابل اگر نقش دین در جامعه و در مردم تضعیف گردد، امکان انحراف و آنومی به شدت افزایش می‌یابد. بدین منظور پرداختن به امور مذهبی افراد خصوصاً جوانان و پاسخ به سؤالات و شبهات آنها موجب تداعی ساختار وجدانی در آنها شده و وجدان، خود به صورت یک مکانیسم قوی درونی به فعالیت می‌پردازد (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۳۸). همچنین اعتقادات مذهبی می‌تواند عامل مؤثری در پیشگیری از جرایم باشد، به طوری که استارک و دیگران در سال ۱۹۸۲

اثر بازدارندگی دینداری را در ارتکاب جرایم اثبات کرده‌اند. به اعتقاد آنان قدرت پیشگیری‌کننده دین نسبت به کنش‌های متقابل مبتنی بر ناهم‌نوایی‌های مجرمانه در اجتماعات دینی و اخلاقی از اجتماعات غیر مذهبی بیشتر است و دین به عنوان حفاظی در برابر جرم و بزه عمل می‌نماید. مطالعات دیگری نیز حاکی از آن است که عامل بی‌قیدی نسبت به مذهب و عدم پایبندی کامل به اعتقادات دینی و در یک کلام بحران معنویت، عاملی قوی برای انجام رفتارهای خشونت‌آمیز است (مجبی، ۱۳۸۰، ص ۸).

## ۲-۶- امنیت و احساس امنیت

در این زمینه می‌توان سه واژه را از هم جدا کرد: ناامنی، احساس ناامنی و تصور از ناامنی. وقتی که در یک کشور متغیرهای تشکیل‌دهنده امنیت وجود نداشته باشد، کشور ناامن است، اما یک وقت برای افرادی که در آن کشور زندگی می‌کنند، این احساس به وجود می‌آید که در امنیت به سر نمی‌برند، در حالی که مقامات کشور اعلام می‌کنند که امنیت کامل برقرار است. زمانی هم هست که جامعه دچار نوعی تصور می‌شود، یعنی تصور می‌کند که امنیت وجود ندارد. در اینجا کشور دچار بحران می‌شود،

17. Freud.S  
18. Riesman.D



بر این اساس کارشناسان حوزه آسیب‌های اجتماعی با این سؤال مواجه‌اند که چرا در بعضی جوامع با ضریب امنیت بالا، احساس ناامنی وجود دارد؟ دکتر علی اصغر احمدی (روانشناس) معتقد است: «امنیت به معنای فقدان عوامل تهدیدکننده فرد به لحاظ جسمانی و روانی و همچنین بروز عوامل از بین برنده نظم است و احساس ایمنی زمانی حاصل می‌شود که فرد در درون خود احساس کند که تهدید نمی‌شود. پس احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود جرم در آن جامعه بر می‌گردد و هرچه میزان فراوانی جرم در جامعه بیشتر باشد، احساس امنیت نیز پایین‌تر است.» همچنین در تطابق بروز حس امنیت و وجود امنیت واقعی در جامعه دو بعد متمایز از یکدیگر وجود دارد، یعنی از سویی ممکن است افراد در حالی در یک جامعه احساس امنیت کنند که عوامل تهدیدکننده، ضریب امنیت اجتماعی را پایین آورده است و از سوی دیگر در برخی از جوامع با وجود بالا بودن ضریب امنیت اجتماعی و پایین بودن عوامل تهدیدکننده و برهم زنده نظم، مردم با احساس ناامنی مواجه باشند. مثلاً نرخ قتل در ایران ۳/۶ در

یعنی مشروعیت سیاسی نظام را نشانه می‌گیرد که می‌تواند به بحران براندازی ختم شود (نشریه امنیت، ۱۳۷۹، ص ۹).

اگرچه امنیت مسئله مهمی است، اما بسیاری از جامعه‌شناسان احساس امنیت را مهم‌تر و ضروری‌تر از وجود امنیت توصیف می‌کنند و معتقدند عوامل بسیاری در فقدان یا کمبود این احساس در جوامع مختلف دخیل‌اند. همچنین بسیاری از دانشمندان معتقدند که امنیت یک پدیده احساسی و ادراکی است و بیشتر به احساس روانی شهروندان از عوامل تهدیدکننده جرم برمی‌گردد و ممکن است میزان احساس ناامنی فرد با واقعیت خارجی میزان عوامل تهدیدکننده مطابقت نداشته باشد یا بر عکس، متناسب به میزان و اثر عوامل تهدیدکننده، میزان احساس ناامنی فرد نیز در نوسان باشد. بنابراین نمی‌توان بیان کرد در جامعه‌ای که امنیت وجود دارد، حتماً احساس امنیت نیز وجود دارد، چرا که احساس امنیت از موارد دیگری همانند ذهنیت مردم از جامعه مورد مطالعه نشئت می‌گیرد. مثلاً ممکن است در جامعه‌ای امنیت از لحاظ انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد، اما افراد احساس امنیت نکنند.

صد هزار نفر است، اما در بسیاری از کشورهای اروپایی و امریکایی، نرخ قتل، ۲۰ در صد هزار نفر است یا نرخ سرقت منازل در ایران ۲ در هزار و در انگلیس ۲۰ در هزار می‌باشد، یعنی به ازای یک هزار منزل مسکونی، ۲۰ منزل در سال مورد سرقت قرار می‌گیرد. این مقایسه نشان می‌دهد ضریب امنیت در ایران بالاتر از ضریب امنیت در انگلستان است، اما احساس امنیت شهروندان ایرانی کمتر از احساس امنیت شهروندان انگلیسی است. به عقیده سردار علی اصغر جعفری، رئیس پلیس آگاهی کشور، در ایران ناامنی در آن حدی نیست که افراد از آن بترسند. موضوع اصلی اینجاست که متأسفانه در کشور ما به دلایل مختلف، احساس ناامنی در مردم بر احساس امنیت غلبه دارد، در صورتی که در اغلب کشورهای به ظاهر امن جهان موضوع بر عکس است (کاهه، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴).

به این ترتیب ممکن است در جامعه‌ای امنیت در واقعیت وجود داشته باشد، اما بنا به دلایلی احساس امنیت وجود نداشته باشد و یا بالعکس احساس امنیت باشد، اما امنیت واقعی وجود نداشته باشد و فرد در معرض بسیاری از تهدیدات ناشناخته باشد. بوزان در

این زمینه اعتقاد دارد که: «احساس ایمنی ذهنی یا اعتماد به دانستنی‌های فسرده، به هیچ روی به منزله وجود امنیت واقعی یا درستی دریافت‌های شخصی نیست، به عنوان مثال: اگر فرد مرفه‌ی را در کشوری مرفه در نظر بگیریم، نمی‌توان چندان مطمئن بود که امنیت در مفهوم جامع آن برای وی تأمین گردد، چرا که هریک از افراد جامعه اعم از غنی و فقیر به طور نسبی در معرض تهدیدات مختلفی از جمله تهدیدات طبیعی (مانند زلزله، قحطی، سیل)، تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (سرقت یا تخریب اموال، عدم اشتغال)، تهدیدات حقوقی (زندانی شدن، فقدان آزادی بیان)، تهدیدات موقعیتی (از دست دادن شغل، تنزل رتبه)، تهدیدات اجتماعی (نبود اعتماد، فقدان تعهد، از دست دادن آبرو و ارزش‌های اخلاقی) و تهدیدات فرهنگی (عدم دسترسی به دانش و معرفت، تضعیف الگوهای فکری - رفتاری) قرار می‌گیرند.» (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۸۶).

پس عوامل امنیت یک مفهوم بیرونی و عینی و احساس امنیت یک مفهوم درونی و ذهنی است. امنیت یعنی فقدان عوامل تهدیدکننده فرد، به عبارت دیگر ما در

می‌باشد (ستوده، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷). منظور از احساس کنترل (نظارت) اجتماعی در این تحقیق آن است که نیروی انتظامی (پلیس ۱۱۰) تا چه حد می‌تواند امنیت اجتماعی زنان را در جامعه فراهم کند و زنان تا چه حد احساس می‌کنند که امنیت آنها از این طریق تأمین می‌شود. زنان تا چه حد حضور مأموران نیروی انتظامی را در شهر احساس می‌کنند و با مشاهده آنان تا چه حد احساس آرامش و امنیت می‌کنند.

۲. احساس نظم اجتماعی: درباره نظم اجتماعی تعاریف مختلفی از سوی دانشمندان ارائه شده است، اما در کل می‌توان نظم اجتماعی را مفهوم کلی قابل انطباق بر امنیت اجتماعی و صیانت و حفظ اعراض و اموال دانست. پس هر عملی که امنیت عمومی، حیات و شرافت و آزادی فردی و ناموس و اموال دیگری را مورد تعرض قرار دهد، نظم اجتماعی را بر هم زده است (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۲، ص ۵۲). همچنین نظم اجتماعی به معنی ترکیب و نفوذ متقابل مشبک آرمانی، هنجاری، تعاملی و فرقی است. به عبارت دیگر نظم اجتماعی نتیجه نفوذ متقابل مجموعه‌های مشترک آرمانی و هنجاری با شبکه‌های فرصتی و تعاملی

شرایطی امنیت داریم که عوامل تهدیدکننده نداشته باشیم. مثل تهدید جسمانی، روانی و از بین برنده نظم. نکته دیگر اینکه احساس امنیت توسط افراد احساس می‌شود و احساس ایمنی آن است که من در درون خودم این احساس را داشته باشم که امنیت دارم و تهدید نمی‌شوم، حال ممکن است این احساس با امنیت و ایمنی تناسب داشته و یا نداشته باشد (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۳).

به این ترتیب دانش پژوهان مختلف با تأکید بر هر یک از تهدیدات فوق و نظایر آن، تعاریف اصطلاحی متعددی را در مورد مفهوم امنیت ارائه داده‌اند، اما در کل می‌توان گفت: «امنیت در معنای عینی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد.» (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۸۶).

### ۳- تعریف مفاهیم

۱. احساس کنترل اجتماعی: کنترل اجتماعی به مکانیسم‌هایی اطلاق می‌شود که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد و در واقع مجموعه عوامل محسوس و نامحسوس یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود

کنشگران فردی و جمعی است (شایان مهر، ۱۳۷۷، ص ۵۴۴). در این پژوهش احساس نظم اجتماعی در اموری چون حمل و نقل عمومی، احساس نظم در سیستم سازمانی و اداری یا در زندگی عادی و روزمره، در صف خرید و سفرهای درون شهری و ... مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است.

۳. احساس امنیت محل سکونت: محل سکونت، محلی است که فرد در آنجا ساکن است و زندگی می‌کند و احساس امنیت محل سکونت به معنای آن است که فرد همواره در آن محیط احساس آرامش و امنیت می‌کند. در این تحقیق، منظور از احساس امنیت محل سکونت آن است که محل سکونت زنان تا چه حد برای آنان امن است و زنان تا چه حد در محل زندگی‌شان احساس امنیت و آرامش می‌کنند و هنگام رفت و آمد در آن ترسی ندارند.

۴. پایگاه اقتصادی و اجتماعی: از دیدگاه آگبرن و نیمکف، پایگاه عبارت از ارزشی است که یک جمع (گروه یا جامعه) برای نقشی خاص قائل می‌شوند (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۷۹۰). در این پژوهش، موقعیتی که افراد به مقتضای منزلت شغلی، دارایی و ثروت

خانواده (میزان برخورداری از منزل مسکونی، اتومبیل شخصی و درآمد) و تحصیلات به دست می‌آورند، به عنوان ملاک سنجش پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد به کار می‌رود.

۵. پایبندی مذهبی: دورکیم می‌گوید «مذهب دستگاهی همبسته از باورها، اعمال مربوط به امور مقدس، یعنی مجزا (از امور عادی) یا ممنوع است. این باورها و اعمال همه کسانی را که پیرو آنها هستند، در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام کلیسا متحد می‌کنند» (شایان مهر، ۱۳۷۷، ص ۴۸۷). دینی بودن<sup>۱۹</sup> عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد، اطلاق می‌شود. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست و شناسایی کرد. فرد متدین، از یکسو خود را ملتزم به رعایت فرامین و توصیه‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر، اهتمام و ممارست دینی، او را به انسانی متفاوت با دیگران بدل می‌سازد. بنابراین به دو طریق یا با دو نشانه می‌توان او را از دیگران بازشناخت: یکی از طریق پایبندی و

19. Religiosity

آتی، در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی، یکپارچگی و امنیت سرزمین (حاجیانی، ۱۳۸۴، ص ۲۸). همچنین به معنای فقدان هراس از اینکه ارزش‌های انسانی مورد حمله قرار گیرد یا به مخاطره نیفتد و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع، اطمینان و آرامش خاطر، ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است. در این پژوهش، منظور از احساس امنیت اجتماعی آن است که زنان با حضور در اجتماع، در محیط کار، در مکان‌های عمومی، خیابان و ... تا چه حد اطمینان دارند که امنیت آنها تأمین می‌شود و احساس ترس و نگرانی نمی‌کنند. احساس امنیت اجتماعی، هرگونه نگرانی از تهدید، ترس هنگام تنهایی در خیابان، ترس از حضور در خیابان به ویژه در شب، عدم اعتماد به غریبه‌ها و غیره را شامل می‌شود.

#### ۴- فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد هر چقدر احساس کنترل اجتماعی از طریق نیروی انتظامی در فرد افزایش یابد، احساس امنیت اجتماعی او نیز افزایش می‌یابد.

التزام دینی‌اش و دیگری از پی‌آمد دینی و آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او. پس دینداری به بیان کلی، یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی زند، ۱۳۸۴، ص ۳۶). در این پژوهش نیز منظور از پایبندی مذهبی افراد آن است که فرد علاوه بر اعتقاد به اصول و فروع دین، رفتار دینی و ظاهر دینی هم داشته باشد، بدین معنا که از یک‌سو به انجام عبادات و تکالیف فردی و جمعی‌اش بپردازد و از سوی دیگر دینی بودن در ظاهر و رفتار او نیز نمایان باشد. همچنین منظور از اعتقادات مذهبی افراد در این تحقیق، اعتقادات مذهبی مسلمانان مد نظر است، چرا که در تمامی موارد مراجعه شده افراد مسلمان و شیعه بودند.

۶. احساس امنیت اجتماعی: امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی، آرامش و آسودگی است. احساس امنیت نیز عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرام‌بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدات) در شرایط فعلی و

۲. به نظر می‌رسد هر چه احساس نظم اجتماعی در فرد افزایش یابد، احساس امنیت اجتماعی او نیز افزایش می‌یابد.

۳. به نظر می‌رسد هر چقدر احساس امنیت محل سکونت در زنان افزایش یابد، احساس امنیت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

۴. به نظر می‌رسد هر چقدر پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان افزایش یابد، احساس امنیت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

۵. به نظر می‌رسد هر چقدر پایبندی مذهبی در زنان کاهش یابد، احساس امنیت اجتماعی آنان نیز کاهش می‌یابد.

## ۵- روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی است و روش مورد استفاده در آن نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی ساده می‌باشد. به این ترتیب که در نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ابتدا کلیه مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در نظر گرفته شده و از بین آنها ۳ منطقه با توجه به سطح زندگی افراد به صورت مرفه، متوسط و پایین به صورت تصادفی انتخاب و در هر منطقه سه بلوک را به طور تصادفی برگزیدیم

و در هر بلوک کلیه خانه‌ها تا تکمیل همه پرسشنامه‌ها مورد مراجعه قرار گرفتند؛ همچنین در هر منزل از بین زنان ۱۵-۲۹ ساله آن منزل یک نفر با روش تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه مورد نظر توسط او تکمیل گردید. قابل ذکر است که در این پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات به صورت مصاحبه حضوری مبتنی بر پرسشنامه صورت گرفت.

## ۶- جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری شامل زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران می‌باشد که به کمک آمار موجود در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، تعداد زنان واقع در این سن محاسبه (که تعداد آنها برابر با ۱۳۰۳۵۶۴ نفر می‌باشد) و به کمک فرمول کوکران حجم نمونه (که برابر با ۳۸۴ نفر می‌باشد) به دست آمد و از آنجایی که در کل شهر تهران سه منطقه (۱، ۱۰ و ۱۶) مورد بررسی قرار گرفت، در هر منطقه تعداد ۱۲۸ پرسشنامه تکمیل گردید. همچنین برای افزایش میزان نرمال بودن جامعه آماری تعداد ۱۰ پرسشنامه حذف و کلیه کارهای آماری با ۳۷۴ پرسشنامه انجام شد.

## ۷- یافته‌های تحقیق

### ۷-۱- جداول توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر حسب متغیرهای مستقل و وابسته

| پایبندی مذهبی | فراوانی | درصد |
|---------------|---------|------|
| خیلی کم       | ۱       | ۰/۳  |
| کم            | ۷       | ۲،۱  |
| متوسط         | ۹۳      | ۲۸/۲ |
| زیاد          | ۲۰۲     | ۶۱/۲ |
| خیلی زیاد     | ۳۷      | ۸/۲  |
| بی پاسخ       | ۴۴      | ۰    |
| جمع کل        | ۳۸۴     | ۱۰۰  |

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصدی متغیر پایبندی مذهبی. درصدهای پایبندی مذهبی نشان می‌دهد که ۶۰/۹ درصد از افراد از پایبندی مذهبی نسبتاً بالایی برخوردارند و تنها ۰/۳ درصد از آنها کمترین میزان پایبندی مذهبی را داشته‌اند.

| احساس کنترل اجتماعی | فراوانی | درصد |
|---------------------|---------|------|
| خیلی کم             | ۱۶      | ۵/۳  |
| کم                  | ۱۱۳     | ۳۷/۳ |
| متوسط               | ۱۴۶     | ۴۸/۲ |
| زیاد                | ۲۸      | ۹/۲  |
| خیلی زیاد           | ۰       | ۰    |
| بی پاسخ             | ۷۱      | ۰    |
| جمع کل              | ۳۷۴     | ۱۰۰  |

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصدی متغیر احساس کنترل اجتماعی

جدول فوق نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان (۴۸/۲ درصد) کنترل اجتماعی را در جامعه در حد متوسطی احساس می‌کنند و هیچ پاسخگویی یافت نمی‌شود که کنترل اجتماعی از طریق نیروی انتظامی را در جامعه در حد بالا احساس کند. این امر بدان معناست که عملکردهای نیروی انتظامی نتوانسته احساس امنیت را در بین افراد جامعه به وجود آورد.

| احساس نظم اجتماعی | فراوانی | درصد |
|-------------------|---------|------|
| خیلی کم           | ۵۲      | ۱۷/۹ |
| کم                | ۱۷۰     | ۵۸/۴ |
| متوسط             | ۶۱      | ۲۱   |
| زیاد              | ۷       | ۲/۴  |
| خیلی زیاد         | ۱       | ۰/۳  |
| بی پاسخ           | ۸۳      | ۰    |
| جمع کل            | ۳۷۴     | ۱۰۰  |

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصدی متغیر احساس نظم اجتماعی

جدول فوق نشان می‌دهد ۵۸/۴ درصد از پاسخگویان نظم اجتماعی تقریباً کمی را در جامعه احساس می‌کنند و تنها ۰/۳ درصد از افراد بالاترین میزان نظم اجتماعی را احساس می‌کنند. به عبارت دیگر بسیاری از افراد مورد مطالعه در این پژوهش معتقدند که بین اجزای مختلف جامعه هماهنگی وجود ندارد.

| احساس امنیت محل سکونت | فراوانی | درصد |
|-----------------------|---------|------|
| خیلی کم               | ۱۹۳     | ۵۳/۵ |
| کم                    | ۱۲۱     | ۳۳/۵ |
| متوسط                 | ۲۵      | ۶/۹  |
| زیاد                  | ۲۲      | ۶/۱  |
| خیلی زیاد             | ۰       | ۰    |
| بی پاسخ               | ۱۳      | ۰    |
| جمع کل                | ۳۷۴     | ۱۰۰  |

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصدی متغیر احساس امنیت محل سکونت جدول فوق نشان می‌دهد که بیشترین پاسخگویان (۵۳/۵ درصد) در محل سکونت خود احساس امنیت خیلی کمی دارند و هیچ پاسخگویی وجود نداشته که در محل سکونت خود کاملاً احساس امنیت نماید.

این امر نشان می‌دهد که بسیاری از محله‌های شهرمان ناامن هستند و از آنجایی که امنیت محل سکونت تأثیر بسیاری در احساس امنیت اجتماعی دارد، احساس ناامنی محل تأثیر مخربی بر آن خواهد داشت.

| پایگاه اقتصادی و اجتماعی | فراوانی | درصد |
|--------------------------|---------|------|
| خیلی کم                  | ۲۶۷     | ۷۴   |
| کم                       | ۴۹      | ۱۳/۶ |
| متوسط                    | ۳۹      | ۱۰/۸ |
| زیاد                     | ۵       | ۱/۴  |
| خیلی زیاد                | ۱       | ۰/۲  |
| بی پاسخ                  | ۱۳      | ۰    |
| جمع کل                   | ۳۷۴     | ۱۰۰  |

جدول ۵. توزیع فراوانی و درصدی متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که اکثریت پاسخگویان (۷۴ درصد) دارای پایگاه اقتصادی و اجتماعی نسبتاً پایینی هستند و تنها ۰/۲ درصد از آنها پایگاه اقتصادی و اجتماعی خیلی بالایی داشتند.

همان‌طور که در تئوری‌ها نیز اشاره شد، افزایش سطح پایگاه افراد می‌تواند سبب افزایش احساس امنیت آنان گردد، اما نتایج تحقیق به ما نشان می‌دهد که بسیاری از افراد دارای پایگاه پایینی هستند و این امر می‌تواند روی احساس امنیت آنها تأثیر منفی بر جای بگذارد.

| احساس امنیت اجتماعی | فراوانی | درصد |
|---------------------|---------|------|
| خیلی کم             | ۰       | ۰    |
| کم                  | ۲۶      | ۸/۱  |
| متوسط               | ۱۶۱     | ۵۰/۳ |
| زیاد                | ۱۲۵     | ۳۹/۱ |
| خیلی زیاد           | ۸       | ۲/۵  |
| بی پاسخ             | ۵۴      | ۰    |
| جمع کل              | ۳۷۴     | ۱۰۰  |

جدول ۶. توزیع فراوانی و درصدی متغیر احساس امنیت اجتماعی

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که ۵۰/۳ درصد از پاسخگویان احساس امنیت اجتماعی متوسطی دارند. به عبارت دیگر این



افراد تا حدودی در جامعه احساس امنیت می‌کنند و تنها ۲/۵ درصد از افراد از بیشترین میزان احساس امنیت اجتماعی برخوردارند. به این ترتیب تعداد افرادی که در جامعه به طور کامل از احساس امنیت اجتماعی برخوردار باشند، بسیار کم است و باید با اقدامات مناسب این میزان را در جامعه افزایش داد.

احساس امنیت اجتماعی همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود:

در فرضیه اول: به نظر می‌رسد هرچقدر احساس کنترل اجتماعی از طریق نیروی انتظامی در فرد افزایش یابد، احساس امنیت اجتماعی او نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۵ درصد اطمینان و ضریب همبستگی ۰/۰۰۱ و سطح معناداری ۰/۴۹۱ رد شد. یعنی بین احساس کنترل اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

| آمار متغیرها توصیفی      | فرد | زوج | زوجین | زوجین |
|--------------------------|-----|-----|-------|-------|
| احساس کنترل اجتماعی      | ۲۳  | ۲۳  | ۲۲    | ۴/۵   |
| احساس نظم اجتماعی        | ۱۹  | ۱۹  | ۱۸/۵  | ۴/۳   |
| احساس امنیت محل سکونت    | ۳   | ۵   | ۵/۵   | ۲/۴   |
| پایبندی مذهبی            | ۷۳  | ۷۳  | ۷۱/۳  | ۹/۵   |
| پایگاه اقتصادی و اجتماعی | ۶   | ۷   | ۸     | ۲/۹   |
| احساس امنیت اجتماعی      | ۳۵  | ۳۵  | ۳۵/۲  | ۶/۸   |

در فرضیه ۲: به نظر می‌رسد هر چه احساس نظم اجتماعی در فرد افزایش یابد، احساس امنیت اجتماعی او نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان و ضریب همبستگی ۰/۱۳۰ و سطح معناداری ۰/۰۱۷ تأیید شد. یعنی بین احساس نظم اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۷. آمار توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته

در فرضیه ۳: به نظر می‌رسد هر چقدر احساس امنیت محل سکونت در زنان افزایش یابد، احساس امنیت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان و ضریب همبستگی ۰/۵۳۶ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید شد. یعنی بین

## ۷-۲- بررسی رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی)

| متغیرهای مستقل      | احساس کنترل اجتماعی | احساس نظم اجتماعی | احساس امنیت محل سکونت | پایبندی مذهبی | پایگاه اقتصادی و اجتماعی |
|---------------------|---------------------|-------------------|-----------------------|---------------|--------------------------|
| ضریب همبستگی پیرسون | ۰/۰۰۱               | ۰/۱۳۰             | ۰/۵۳۶                 | ۰/۱۸۹         | ۰/۱۱۴                    |
| سطح معناداری        | ۰/۴۹۱               | ۰/۰۱۷             | ۰/۰۰۰                 | ۰/۰۰۰         | ۰/۰۲۰                    |

جدول ۸. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

احساس امنیت محل سکونت و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

در فرضیه ۴: به نظر می‌رسد هر چقدر پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان افزایش یابد، احساس امنیت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان و ضریب همبستگی ۰/۱۱۴ و سطح معناداری ۰/۰۲۰ تأیید شد. یعنی بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

در فرضیه ۵: به نظر می‌رسد هر چقدر پایین‌بندی مذهبی در زنان کاهش یابد، احساس امنیت اجتماعی آنان نیز کاهش می‌یابد. این فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان و ضریب همبستگی ۰/۱۸۹- و سطح معناداری ۰/۰۰۰ رد شد. از آنجایی که این فرضیه جهت‌دار می‌باشد، با وجود سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ درصد و علامت ضریب همبستگی به معنای رد این فرضیه می‌باشد. یعنی بین پایین‌بندی مذهبی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول ۹. رگرسیون چند متغیره:

جدول ۹/۱. ضریب تعیین و ضریب

تعدیل شده

| R     | R <sup>2</sup> | R تعدیل شده | انحراف استاندارد |
|-------|----------------|-------------|------------------|
| ۰/۶۰۳ | ۰/۳۶۴          | ۰/۳۵۲       | ۵/۰۹۹۴۱          |

جدول ۹/۲. نشان‌دهنده خط رگرسیون

و باقیمانده

| ضرایب     | مجموع مجذورات | Df  | میانگین | F      | سطح معناداری |
|-----------|---------------|-----|---------|--------|--------------|
| رگرسیون   | ۳۳۲۷/۰۰۱      | ۴   | ۸۳۱/۷۵۰ | ۷۸/۹۸۶ | ۰/۰۰۰        |
| باقیمانده | ۵۸۲۴/۸۸۵      | ۲۲۴ | ۲۶/۰۰۴  |        |              |
| کل        | ۹۱۵۱/۸۸۶      | ۲۲۸ |         |        |              |

جدول ۹/۳. رگرسیون چندمتغیره برای

شناسایی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی

| ردیف           | عنوان متغیر              | B      | انحراف استاندارد | Beta   | T      | Sig   |
|----------------|--------------------------|--------|------------------|--------|--------|-------|
| X <sub>1</sub> | احساس امنیت محل سکونت    | ۱/۳۳۰  | ۰/۱۳۴            | ۰/۵۳۹  | ۹/۹۴۹  | ۰/۰۰۰ |
| X <sub>2</sub> | پایگاه اقتصادی و اجتماعی | ۰/۲۷۵  | ۰/۱۱۰            | ۰/۱۲۵  | ۲/۵۰۸  | ۰/۰۱۳ |
| X <sub>3</sub> | احساس نظم اجتماعی        | ۱/۱۵۱  | ۰/۴۸۲            | ۰/۱۲۹  | ۲/۳۸۶  | ۰/۰۱۸ |
| X <sub>4</sub> | پای بندی مذهبی           | -۰/۰۷۷ | ۰/۰۳۵            | -۰/۱۱۹ | -۲/۲۰۷ | ۰/۰۲۸ |
| y              | عدد ثابت (constant)      | ۱۷/۱۷۵ | ۳/۰۳۵            |        | ۵/۶۵۸  | ۰/۰۰۰ |

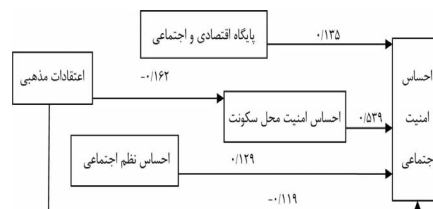
معادله رگرسیون فوق به شیوه Enter

انجام شده است. همان‌طور که در جدول ۹/۱ می‌بینیم، ضریب تعیین برابر است با  $R^2 = ۰/۳۶$ ، به این معنا که متغیرهای موجود در این تحقیق می‌توانند تا ۳۶ درصد احساس امنیت اجتماعی را توضیح دهند یا تبیین کنند و ۶۴ درصد نیز به عوامل دیگری که در این پژوهش نیامده وابسته است. همچنین در

به این ترتیب رگرسیون خطی فوق به ازای ۳۶ درصد می‌تواند مقدار  $y$  (احساس امنیت اجتماعی) را پیش‌بینی کند. تحلیل مسیر: تحلیل مسیر به عنوان روشی برای مطالعه تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهایی که علت گرفته شد، در متغیرهایی که معلول فرض شده‌اند، طراحی شده است. به عبارت دیگر، روش تحلیل مسیر برای آزمون نظریه سودمند است نه ایجاد آن. از مزایای آن این است که کاربرد آن بیان روشن چارچوب نظری مورد استفاده را ایجاد می‌کند (کرلینجر، پدهازور، ۱۳۶۶، صص ۴۰۷-۴۰۶). همان‌طور که نمودار زیر نشان می‌دهد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، پایبندی مذهبی و احساس نظم اجتماعی به عنوان متغیرهای بیرونی در نظر گرفته شده‌اند. همچنین این الگو نشان می‌دهد که از یک سو متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، پایبندی مذهبی و احساس نظم اجتماعی تأثیر مستقیمی بر احساس امنیت اجتماعی دارند و از سوی دیگر متغیر پایبندی مذهبی با تأثیر روی متغیر احساس امنیت محل سکونت بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

جدول ۹/۲، نسبت  $F = ۳۱/۹۸۶$  با درجه آزادی ۴ و ۲۲۴ نشان می‌دهد که  $R^2$  به لحاظ آماری کاملاً معنادار (۰,۰۰۰) است. در جدول ۹/۳ می‌خواهیم بدانیم که کدام یک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تأثیر گذاشته‌اند و کدامیک نیز تأثیر نداشته‌اند. در روش Enter ابتدا کلیه متغیرهای مستقل وارد معادله رگرسیون می‌شود و هر کدام از آنها که معنادار نبودند، از معادله خارج می‌گردند. در این پژوهش نیز پس از ورود کلیه متغیرهای مستقل به معادله، تمامی آنها به جز متغیر احساس کنترل اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی رابطه معنادار داشتند، به همین جهت احساس کنترل اجتماعی از معادله خارج گردید و دوباره رگرسیون گرفته شد. جدول ۹/۳ میزان معناداری متغیرهای مستقل با متغیر وابسته و ضرایب بتای هر یک را نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول ۹/۳ مشاهده می‌شود، به ترتیب متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، احساس نظم اجتماعی و پایبندی مذهبی رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی دارند.

## نمودار تحلیل مسیر



## ۸- فرجام

## ۸-۱- نتیجه گیری

این مقاله به بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداخته است.

در بخش نظری با استفاده از تئوری‌های مورد نیاز در هر زمینه به بررسی ابعاد و عوامل مؤثر بر موضوع پرداخته شد و تعاریف مختلفی درباره هر یک از متغیرهای مستقل و همچنین متغیر وابسته بیان گردید. در نهایت احساس امنیت به معنای فقدان هراس از اینکه ارزش‌های انسانی مورد حمله قرار گیرند و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع تعریف گردید. همچنین با توجه به هر دسته از تئوری‌های مطرح شده، فرضیه مناسب با آن استخراج و به بررسی آنها پرداخته شد.

در بحث تحلیل‌های آماری، علاوه بر رسم جداول توصیفی هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته، جداول دو بعدی مربوط به

بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته نیز کشیده شد. نتایج جدول همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای مستقل به کار گرفته شده در این تحقیق، به جز متغیر احساس کنترل اجتماعی، رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. همچنین نمودار تحلیل مسیر نشان می‌دهد که به ترتیب متغیرهای احساس امنیت محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، احساس نظم اجتماعی و پایبندی مذهبی به عنوان عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت اجتماعی محسوب می‌شوند.

بر اساس الگوی نظری تحقیق، امروزه با گسترش شهرها و افزایش جمعیت، شاهد حضور گسترده و روزافزون زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... هستیم، اما حضور زنان در جامعه از یک‌سو می‌تواند سبب پیشرفت در زندگی شخصی آنها و در نتیجه در روند جامعه شود، اما از سوی دیگر مشکلات و تبعات فراوانی را نیز به همراه خواهد داشت که یکی از این مشکلات احساس ناامنی آنها در جامعه است. البته عوامل زیادی می‌تواند بر احساس امنیت زنان

احساس کنترل اجتماعی نمی‌تواند سبب ایجاد احساس امنیت اجتماعی در زنان شهر تهران شود. هنگام جمع‌آوری اطلاعات و با مراجعه به جمعیت مورد نظر برای تکمیل پرسشنامه، بسیاری از زنان معتقد بودند که گاهی برخی عملکردهای نیروی انتظامی در سطح شهر تهران خود سبب احساس ناامنی در زنان می‌شود و چه بسیاری از افراد با حضور در سطح شهر - صرف نظر از نوع پوشش و ظاهرشان - از اینکه با مأموران نیروی انتظامی مواجه شوند، احساس نگرانی می‌کنند و این امر بر روی احساس امنیت اجتماعی آنها تأثیر نامطلوبی بر جای می‌گذارد. به این ترتیب حضور مأموران در سطح شهر نه تنها در احساس امنیت اجتماعی زنان تأثیر مثبتی ندارد، بلکه گاهی باعث ایجاد حس ناامنی در آنها می‌شود. به همین جهت لازم است عملکردهای نیروی انتظامی مورد تجدید نظر قرار بگیرد، به طوری که مردم احساس کنند که پلیس جزئی از آنهاست و حس اعتماد در آنها تقویت شود. در واقع هر چقدر محیط زندگی زنان امن‌تر و حضور و عملکرد پلیس نیز بهتر و گسترده‌تر باشد، به همان نسبت نیز زنان در جامعه احساس امنیت بیشتری خواهند کرد.

تأثیر بگذارد که در این مقاله چند مورد از آنها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

## ۸-۲- پیشنهادات تحقیق

۱. یکی از مواردی که می‌تواند در احساس امنیت اجتماعی زنان تأثیر مطلوبی بر جای بگذارد، احساس امنیت آنها در محل سکونتشان می‌باشد. در برخی از مناطق بسیاری از زنان اظهار می‌داشتند که به دلیل عدم وجود یا دوری پاسگاه‌های نیروی انتظامی از محل، اراذل و اوباش فرصت مناسبی می‌یابند که آسایش مردم را مختل سازند. این امر به ویژه در خصوص دختران دبیرستانی و هنگام تعطیلی مدارس صورت می‌گیرد و بسیاری از مادران ترجیح می‌دهند که خود به همراه فرزندشان به خانه بازگردند. چه خوب است برای افزایش احساس امنیت زنان و به ویژه دختران جوان نیروی انتظامی تدابیری بیندیشد که هم میزان پاسگاه‌ها در سطح شهر افزایش یابد و هم به ویژه در زمان تعطیلی مدارس با حضور مأموران نیروی انتظامی در خیابان از مزاحمت‌های این دسته از افراد جلوگیری به عمل آید.

۲. همان‌طور که در نتایج تحلیلی و آمار استنباطی مشاهده شد، احساس کنترل اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه معناداری نداشت. به عبارت دیگر

## منابع

۱. آرون، ریمون (۱۳۸۲)، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم.
۲. احمدی، علی‌اصغر (۱۳۸۵)، «امنیت و احساس امنیت»، *فصلنامه تخصصی و کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره‌های ۴ و ۵، تهران: انتشارات آشنایی.
۳. بودون، ریمون و بوریکو، فرانسوا (۱۳۸۵)، *فرهنگ انتقادی جامعه شناسی*، ترجمه: عبدالحسین نیک گوهر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ اول. ح
۴. بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۵. پودرانچی، مصطفی (مهر ۱۳۸۱)، «فضاهای بدون دفاع»، *فصلنامه شهرداری ها*، سال چهارم، شماره ۴۱، تهران: وزارت کشور، سازمان شهرداری‌های کشور.
۶. تأمین، ملوین (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی*، ترجمه: عبدالحسین نیک گوهر، تهران: انتشارات توتیا، چاپ سوم.
۷. جلالی مقدم، مسعود (۱۳۷۹)، *درآمدی به جامعه‌شناسی دین و آراء جامعه شناسان بزرگ دربارہ دین*، تهران: نشر مرکز.
۸. حاجبانی، ابراهیم (۱۳۸۴)، «چارچوب روش شناختی برای بررسی احساس امنیت»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، تهران: انتشارات معاونت اجتماعی ناجا، چاپ اول.
۹. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۵)، *جامعه، احساس و موسیقی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۱۰. ----- (۱۳۷۸)، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، تهران: انتشارات سروش.
۱۱. ----- (۱۳۸۴)، *توسعه و تضاد*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم.
۱۲. ریتزر، جورج (۱۳۸۳)، *نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ هشتم.
۱۳. ساروخانی، باقر (۱۳۸۰)، *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان، جلد دوم، چاپ سوم.
۱۴. سازمان جهانی بهداشت (۱۳۸۰)، *خشونت علیه زنان*، مترجمین: شهرام رفیعی فر، سعید پارسا نیا، انجمن آموزش، بهداشت و ارتقای سلامت خانواده، تهران: چاپ دلارنگ.
۱۵. ستوده، هدایت الله (۱۳۸۲)، *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ دهم.
۱۶. شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)*، تهران: انتشارات کیهان.
۱۷. شجاعی زنده، علیرضا (بهار ۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱، دوره ششم، صص: ۶۶-۳۴.
۱۸. شرفی، ابوالفضل (۱۳۸۴)، *جمعیت و امنیت اجتماعی*، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، شماره ۳، تهران: انتشارات آشنایی.
۱۹. شیرازیان، فرچهر (۱۳۸۳)، *بررسی جامعه‌شناختی تأثیر عملکرد نیروی انتظامی (پلیس ۱۱۰) بر میزان احساس امنیت در ساکنین (۴۰-۳۰ سال) منطقه ۳ تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
۲۰. صدیقی اورعی، غلامرضا (۱۳۷۶)، *تأثیر ساختاری بر پدیده امنیت یا ناامنی اجتماعی*، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۷-۵ اسفند ۱۳۷۵)، تهران: انتشارات وزارت کشور، جلد اول، صص: ۱۴۲-۱۳۱.
۲۱. صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۲)، «بهنجار نظم و نابهنجار رفتار»، *فصلنامه دانش انتظامی*، شماره ۱، صص: ۵۳-۳۸.

۲۲. فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۵)، *آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات بدر.
۲۳. کاهه، احمد (۱۳۸۴)، *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد ۱*، تهران: انتشارات گلیونه.
۲۴. کرلینجر، پدهازور (۱۳۶۶)، *رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری*، ترجمه: حسن سرایی، جلد اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
۲۵. کوزر، لوفیس (۱۳۸۲)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ یازدهم.
۲۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱)، *جامعه شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
۲۷. محبی، سیده فاطمه (زمستان ۱۳۸۰)، «آسیب شناسی اجتماعی زنان»، *فصلنامه کتاب زنان*، شماره ۱۴، صص: ۱۹ - ۶ تهران: شورای فرهنگی و اجتماعی زنان.
۲۸. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳)، *وندالیسم*، تهران: انتشارات آن.
۲۹. مشکاتی، م و سادات مشکاتی، ز (۱۳۸۱)، «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان»، *مجله انجمن جامعه شناسی*، دوره ۴، شماره ۲.
۳۰. نشریه امنیت (مهر و آبان ۱۳۷۹)، *پلیس و امنیت عمومی*، شماره ۱۵ و ۱۶، سال چهارم، صص: ۹-۱۰.
۳۱. ورسلی، پیتر (۱۳۷۸)، *نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی*، ترجمه: سعید معیدفر، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول.
۳۲. هابز، توماس (۱۳۸۷)، *لویاتان*، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.